

Explanation of the reflection of political changes as a National scale of Islamic Parliament election (Case study: Constituencies of Arak, Komijan, Khondab)

Extended Abstract

ARTICLE INFO

Article Type

Research Article

Authors

1. Morad Kaviani Rad. Ph.D.

2. Mohammad Amereh*

3. Homa Jafari, MSc

1. Department of Political Geography, Faculty of Geographical Sciences, Kharazmi University of Tehran

2. Ph.D. student of Political Geography of Kharazmi University

3. RS, Kharazmi University of Tehran, Iran.

Correspondence: *

Address: Kharazmi University, College of Geographical Sciences Department of Political Geography, tehran, Iran.

Email: Mo.amereh@gmail.com

Article History:

Received: 28.10.2021.

Accepted: 08.03.2022.

Introduction

The Islamic parliament election, as the mid-level of elections in the Country, have always been the focus of experts and the public minds. It is worth noting that the presence of people to participate in elections and the extent of their participation varies from constituency to constituency and from one period to another. This difference in participation has led to the emergence of different constituencies, according to this, the electoral behavior of people in different constituencies toward each other can be examined. The data of this article show that the electoral behavior of people in Arak, Komijan and Khondab constituencies has not been influenced by local factors. The present study is based on the theory that the political orientation of the elected president and the large scale-National currents affect the electoral behavior of Arak, Komijan and Khondab constituencies.

Methodology

The data which is required for this study is collected by the Library-method and analyzed by Descriptive-Analytical method. The result of the research shows that political parties which are affected by the large scale-National currents will influence the outcome of the election and the political tendency of the chosen Parliament members in constituencies of Arak, Komijan and Khondab.

Result and discussion

From the third to eleventh term of the Islamic parliament, 18 people entered the parliament, of which 7 were reformists and 11 others were from the United Front of Fundamentalists and Conservatives. In other words, 38.9% of the representatives were reformists and 61.1% were conservatives. It is considerable that in these 9 elections, none of the elected representatives was independent, each of them was a member of the two prominent parties in the country. This statistic indicates that ethnic and local factors have not had an effect on the electoral behavior of the people in this constituency.

Conclusion

It is considerable that in these 9 elections, none of the elected representatives was independent, each of them was a member of the two prominent parties in the country. Generally, this study states that the political orientation of the elected president and the

large scale-National currents affect the electoral behavior of the mentioned constituencies. The next point is that the impact of the metropolis of Arak as the center of the province on the other two cities in this area is significant and the other two have not nominated a candidate for the parliament due to the small population or have not been able to enter the Islamic Parliament. Another important point is that the parties have been able to return the spatial pattern of voting by eliminating the local identity factor in their favor. Factors such as political and economic development, literacy level, common language and religion of the people of the metropolis of Arak have caused their electoral behavior to be influenced by national factors instead of ethnic attitudes and local factors. On the other hand, the strategic location of the metropolis of Arak due to its location on the expressway from the North to the South of the Country and the existence of many access roads has caused this city to become an economic and cultural center and this factor brings opinion and orientation of people of Arak closer to the people of the capital. Finally, the article hypothesis is confirmed.

Keywords: Spatial Pattern of Votes, Electoral Behavior, Parties and Constituencies of Arak, Komijan and Khondab.

کلمات کلیدی: الگوی فضایی رای، رفتار انتخاباتی، احزاب و حوزه

انتخابیه اراک، کمیجان و خنداب.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۸/۰۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۱۷

نویسنده مسئول: Mo.amereh@gmail.com

مقدمه

جامعه مدنی و حکومت قانون مستلزم اعتقاد به فرد به‌عنوان ارزش متعالی و عنصر نهایی تصمیم‌گیری در عرصه‌های گوناگون زندگی اجتماعی و اقتصادی است [۱]. هدف از برگزاری انتخابات حضور موثر مردم در تصمیم‌گیری‌های کلان برای اداره کشور است. در ج.ا.ایران انتخابات در سه مقیاس کشوری (ریاست جمهوری)، منطقه‌ای (مجلس شورای اسلامی) و محلی (شورای شهر و روستا) برگزار می‌شود. انتخابات مجلس شورای اسلامی به‌عنوان سطح میانی نظام انتخاباتی کشور در کانون توجه اذهان عمومی و کارشناسان بوده است. هرچند نحوه حضور مردم برای مشارکت آنان در تصمیم‌گیری‌های سیاسی و میزان مشارکت آنان در مناطق مختلف کشور از حوزه‌ای به حوزه دیگر و از دوره‌ای به دوره‌ای دیگر متفاوت است. این اختلاف مشارکت از حوزه‌ای به حوزه دیگر در پیدایش حوزه‌های مطالعاتی جغرافیای انتخابات موثر است تا رفتار انتخاباتی مردم را در نقاط مختلف جغرافیایی بررسی کند. از آنجا که الگوی فضایی رای از نقطه‌ای به نقطه دیگر متفاوت است مطالعه و واکاوی اثرگذاری تفاوت‌های فضایی در رفتار سیاسی در حوزه جغرافیای انتخابات قرار می‌گیرد. داده‌های موجود نشان می‌دهند که برخلاف بسیاری از حوزه‌های انتخابیه کشور نتیجه انتخابات در حوزه انتخابیه اراک، کمیجان، خنداب در مجلس شورای اسلامی از عوامل محلی و حوزه‌ای اثر نمی‌پذیرد. پژوهش حاضر بر این فرضیه

تبیین بازتاب تحولات سیاسی مقیاس ملی بر انتخابات مجلس شورای اسلامی (نمونه پژوهشی: حوزه انتخاباتی اراک، کمیجان، خنداب)

مراد کاویانی راد

دکتری جغرافیای سیاسی، هیات علمی گروه جغرافیای سیاسی، دانشکده علوم جغرافیایی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

محمد آمره*

دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی، دانشکده علوم جغرافیایی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

هما جعفری

دانشجوی کارشناسی ارشد آر اس و جی آی اس، دانشکده علوم جغرافیایی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

چکیده

خاستگاه آرا در انتخابات مجلس شورای اسلامی گوناگونی بالایی دارد. در بسیاری از حوزه‌های انتخابیه کشور الگویی توزیع فضایی آرا تابع گرایش‌ها و علائق محلی رای‌دهندگان است. مشخصه‌ای که معمولاً در حوزه‌های انتخابیه مراکز استانی کمتر رخ می‌دهد و بیشتر تابع فرایندهای سطح کلان و مقیاس ملی هستند. در این دست حوزه‌ها بین گرایش منتخب ریاست جمهوری و گرایش نمایندگان به مجلس راه‌یافته هماهنگی دیده می‌شود. حوزه انتخابیه اراک، کمیجان و خنداب از آن دست حوزه‌هایی که خاستگاه آرا نمایندگان هماهنگی بالایی با روندهای سطح ملی دارد. مقاله حاضر بر این فرضیه استوار است که این گرایش سیاسی رئیس‌جمهوری برگزیده و کلان‌روندهای ملی است که به گرایش سیاسی منتخبان مردم در مجلس شورای اسلامی جهت و معنا می‌دهد. درونداهای (داده‌ها و اطلاعات) مورد نیاز پژوهش به روش کتابخانه‌ای گردآوری شده و روش شناسی حاکم بر متن ماهیت توصیفی-تحلیلی دارد. نتیجه پژوهش نشان داد که احزاب و جریان‌های سیاسی متأثر از تعاملی که با کلان‌روندهای پایتخت و مقیاس ملی دارند به نتیجه انتخابات و گرایش سیاسی منتخبان حوزه‌های انتخابیه اراک، کمیجان و خنداب جهت و معنا می‌دهند.

استوار است که «گرایش سیاسی رئیس‌جمهوری برگزیده و کلان‌روندهای سیاسی مقیاس ملی به گرایش سیاسی رای‌دهندگان و رای‌آوری منتخبان مردم در حوزه انتخابیه اراک، کمیجان، خنداب در مجلس شورای اسلامی جهت و معنا می‌دهد.»

روش پژوهش

دروندهای (داده‌ها و اطلاعات) مورد نیاز پژوهش به روش کتابخانه‌ای گردآوری شده و روش شناسی حاکم بر متن ماهیت توصیفی-تحلیلی دارد. نتیجه پژوهش نشان داد که احزاب و جریان‌های سیاسی متأثر از تعاملی که با کلان‌روندهای پایتخت و مقیاس ملی دارند به نتیجه انتخابات و گرایش سیاسی منتخبان حوزه‌های انتخابیه اراک، کمیجان و خنداب جهت و معنا می‌دهند.

بنیادهای مفهومی پژوهش

۱. جغرافیای انتخابات

انتخابات جریانی رسمی است که هر گام آن از پیش تعیین شده است. انتخابات برای تصمیم‌گیری مردم یا بخشی از مردم است که شخص یا اشخاصی را برای مقام، پست یا مسئولیتی و برای مدتی معلوم با ریختن رای خود به صندوق‌های انتخاباتی می‌گزینند [۲]. انتخابات در هر کشوری گویای وجود سطحی از دموکراسی است. این سطح به صورت طیف از انتخابات واقعی تا فرمایشی در تغییر است. قانون انتخابات در هر کشور با توجه به نظام اداری و قانون اساسی آن کشور متفاوت است و بسته به رشد دموکراسی در آن کشور و وجود جامعه مدنی متفاوت است. با این حال، اندک شمار هستند

نظام‌های سیاسی که سیمایی دموکراتیک مبتنی بر انتخابات به خود نگیرند و مشروعیت خود را مردمی ندانند. انتخابات به‌عنوان یکی از بنیادهای دموکراسی، سویه‌های مختلفی دارد و هر یک از این سویه‌ها در کانون پژوهش یکی از رشته‌های علوم انسانی قرار داشته است. در این میان، جغرافیای انتخابات به‌عنوان یکی از زیرشاخه‌های جغرافیای سیاسی با پیشینه‌ای بیش از یک‌صد سال به مطالعه ابعاد جغرافیایی انتخابات مانند پراکنش فضایی آراء، حوزه‌های انتخابیه، ادراک محیطی رای دهندگان و غیره پرداخته و طی این بازه زمانی پیدایش و گسترش جغرافیای انتخابات با پخش دموکراسی در مقیاس کروی پیوند نزدیکی داشته است. در حقیقت جغرافیای انتخابات دیرپاترین گرایش جغرافیای سیاسی است که پیدایش آن با دموکراسی و به تبع آن انتخابات و رای‌دهی نسبت مستقیم داشته است [۳]. برگزاری انتخابات در مقیاس ملی و فرو ملی، داده‌ها و یافته‌هایی فراروی جغرافیدانان سیاسی قرار می‌دهد که بر بنیاد آن، به واکاوی جستارهای توزیع فضایی رای و تبیین پایگاه رای‌آوری افراد، احزاب و جریان‌های سیاسی می‌پردازند. جغرافیای انتخابات در بعد کاربردی طی چند دهه اخیر رشد خیره‌کننده‌ای داشته است. آنچه بحث دموکراسی را در جغرافیا مجاز می‌سازد، نقش‌افزینی محیطی آن است که در جغرافیای انتخابات به اثرگذاری متقابل انسان و محیط مربوط می‌شود. دموکراسی و انتخابات از آن رو با مباحث جغرافیای سیاسی ارتباط می‌یابند که به اصل جدایی ناپذیر سه عنصر یا پدیده ملت، حکومت و سرزمین مربوط می‌شوند. اصل جدایی ناپذیری این مثلث ناشی از رابطه‌ای است که اراده ملت را به حکومت منتقل می‌کند [۴]. در این میان، کانون پژوهش بسیاری از پژوهشگران و پیشگامان

تحلیل جستار مذکور مهم ارزیابی می‌کنند و از آن منظر به تحلیل تفاوت‌های فضایی می‌پردازند [۷]. از این‌رو، جغرافیای انتخابات به واکاوی تعامل فضا، مکان، فرایندهای انتخاباتی، تنوع تصمیمات و نتایج آرا رای دهندگان نواحی مختلف، اثرگذاری تفاوت‌های فضایی در رفتار سیاسی و شکل‌گیری حوزه‌های انتخاباتی می‌پردازد [۸].

۲. توزیع فضایی رای

فضا، بخش یا محدوده‌ای از سطح سیاره زمین است که مقتضیات اکولوژیک-طبیعی و محتوای انسانی آمایش یافته دارد [۹]. از این منظر مفهوم فضای جغرافیایی فضایی آکنده از عناصر، روابط و دادو ستد است که در تحلیل فضایی، کارکردی بنیادی دارند [۱۰]. فضای جغرافیایی فضایی منحصربه‌فرد برای فرهنگ خاص است. در واقع فضای انسان زاده‌ای می‌باشد که تجربیات فرهنگ‌های خاصی را از زندگی به نمایش می‌گذارد [۱۱]. از سوی دیگر رای واکنش عقلانی یا هیجانی رای‌دهندگان به فرد یا جریان سیاسی است که متأثر از ویژگی‌های جغرافیایی، تحولات جمعیتی، اداری، سیاسی، فرهنگی، پراکنش جمعیت، منافع و مصالح فردی یا گروهی، نسبت به افراد شرکت‌کننده به واجدان حق رای حوزه‌های انتخاباتی در بخش‌های مختلف نمود ناهمگونی دارد [۱۲]. در اصل انتخابات به‌عنوان مکانیزم تغییر و تداوم سیستم سیاسی، نشان‌دهنده تعامل بین واحدها برای به دست گرفتن ابزار قدرت به روشی دموکراتیک با هدف سازماندهی فرایندها و نمودهای فیزیکی ایجاد فضا است [۱۴]. به‌این‌ترتیب توزیع فضایی رای، تاثیر فضای جغرافیایی و محیط زندگی افراد بر نوع رای‌دهی ساکنان آن منطقه است که با توجه به

جغرافیای انتخابات بر واکاوی و پراکنش فضایی آرا متمرکز بوده است. بی‌گمان، واکاوی و بررسی پراکنش آرا نیازمند بررسی ادراک محیطی رای‌دهندگان و برگزارکنندگان انتخابات، مناسبات و ساختار قدرت و نظام انتخاباتی است که در قالب آن آرا به کرسی برگردانده می‌شوند. بر بنیاد چنین نگرشی، جغرافیای انتخابات در جایگاه گرایش از جغرافیای سیاسی در قالب کنش متقابل مناسبات قدرت (همزیستی، هم‌آوردی و کشمکش کنشگران) و نظام انتخاباتی با قلمرو جغرافیایی (حوزه انتخاباتی در مقیاس ملی و فرو ملی) به مطالعه الگوی توزیع فضایی آرا می‌پردازد [۵]. بر بنیاد این تعریف، واکاوی الگوی فضایی رای در کانون پژوهش‌های جغرافیای انتخابات قرار داشته است. جستار الگو فضایی گواه بر عملکرد فرایندهای محیطی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی است. از این‌رو، به‌شدت در پیوند با نظام اقتصادی-اجتماعی، دیدگاه فلسفی و حتی جهان‌بینی حاکم بر ذهنیت رای‌دهندگان است. از آنجاکه موارد برشمرده در نواحی گوناگونی و تنوع دارند، پراکنش و گوناگونی زیادی در الگوهای فضایی آرا وجود دارد. از این‌رو، نتیجه انتخابات، برآیند درهم‌تنیدگی فرایندهای متعدد اجتماعی، اقتصادی و سیاسی و ادراک محیطی شهروندان از فرایندهای یاد شده است. از این‌رو، در تحلیل جغرافیای انتخابات دانستن آنچه در پس این نتایج سیاسی و فرایندهای پیش از این نتایج وجود داشته، امری گریزناپذیر است و مطالعه جغرافیای انتخابات بدون آگاهی از ویژگی‌ها و شناسه‌های اجتماعی و فرهنگی قلمرویی که در آن انتخابات برگزار می‌شود، بی‌معنا است [۶]. جغرافیدانان انتخابات افزون بر مقوله «کیستی» برای «کجایی» زندگی و زیست فرد اهمیت قائل هستند، به‌طوری که، نقش مکان را در فهم و

ویژگی‌های منطقه‌ای و نفوذ جریان‌های سیاسی و افراد مرجع الگویی ویژه به آن منطقه می‌بخشد که می‌تواند با مناطق دیگر متفاوت باشد به همین دلیل است که توزیع فضایی رای قابلیت مطالعه به خود می‌گیرد. الگوی فضایی انتخابات متأثر از هماهنگی فرد با محیط، گرایش به جریان‌های سیاسی و افرادی است که در هماهنگی و هم‌نوایی و تقویت مناسبات ساختارها و کارکرد عناصر فضایی عمل می‌کنند [۱۴]. تاثیر همسایگی که در به وجود آمدن این الگو موثر است. جستار تاثیر همسایگی یکی از عوامل اثرگذار است [۱۵].

۳- تاثیر احزاب بر الگوی فضایی رای

سازمان فضایی و الگوهای فضایی برآمده از انتخابات، وجود نگرش‌های متفاوت در رفتار سیاسی رای‌دهندگان در حوزه‌های گوناگون انتخابیه را نشان می‌دهند [۱۶]. همچنین حوزه‌های انتخاباتی گویای تفاوت‌ها و تمایزهای جغرافیایی، ساختارها، الگوهای فرهنگی و اقتصادی نواحی مختلف کشور به شمار می‌روند. از این رو ماهیتی پویا و دگرگون شونده دارند. بر این پایه، نمایندگان حوزه‌های انتخابیه بازتابی از مناسبات ساختارهای قدرت حوزه‌های انتخاباتی هستند. بر بنیاد چنین تنوعی همگان به یک طریق رای نمی‌دهند. الگوهای رای دادن تنوع مکانی دارند و مراتب گوناگونی در آن‌ها می‌تواند شناخت. برای نمونه شکاف‌های محلی- ملی منجر به ایجاد تفاوت‌های کوچک و بزرگ در بیان سیاسی و در نتیجه رای دادن می‌شود، این شکاف‌ها بر توزیع نمایندگی سیاسی و از انجا بر جغرافیای رای دادن اثر می‌گذارد. درباره پیامدهای آن نیز می‌توان گفت که رای دهندگان تحت تاثیر حزب اکثریت قرار می‌گیرند [۱۷]. احزاب سیاسی با استفاده از رسانه و قدرت

تبلیغاتی خود افکار عمومی را به سوی خود جلب می‌کند و بر آرا آن‌ها تاثیر می‌گذارد. مشارکت سیاسی مستلزم آگاهی از روابط سیاسی، منافع و ارزش‌های خودی و حریف و شناخت راهکارهای مشارکت مسالمت آمیز (به‌ویژه انتخابات) است. بدون وجود افکار عمومی و جهت دادن به آن مسئله انتخابات معنی پیدا نمی‌کند [۱۸]. به این جهت احزاب همیشه در تلاش بوده و هستند تا با تبلیغات وسیع و نزدیک کردن اهداف و برنامه‌های خود به اکثریت توده مردم حمایت آن‌ها را جلب کنند تا به این وسیله به کرسی‌های نمایندگی دست یابند. احزاب سعی می‌کنند برای حامیان و طرفداران خود هویتی به‌عنوان هویت حزبی بسازند. بر این اساس نظریه‌ای تحت عنوان نظریه هویت حزبی مطرح می‌شود. در این نظریه رای دهندگان انسان‌هایی هستند که با یک حزب هویت می‌یابند. بنابراین، «وابستگی حزبی» مهم‌ترین متغیر تبیین آرا رای‌دهندگان است. محققان مرکز تحقیقات و مطالعات دانشگاه میشیگان، در کتاب رای‌دهنده امریکایی معتقدند، علاقه روانی و عاطفی که بین رای‌دهندگان و حزب محبوبشان برقرار است، عامل بسیار مهم برای به پیروزی رساندن نامزدهای مورد نظر در انتخابات است. اینان در تبیین ایجاد چنین رابطه عاطفی می‌گویند: این وابستگی عاطفی، اغلب از زمان کودکی و نوجوانی در افراد ایجاد می‌شود و معمولاً از خانواده‌ها به فرزندان منتقل می‌گردد و محیط شغلی و اجتماعی هم در تثبیت این پیوندها موثرند [۱۹]. هنگامی که احزاب برای شهروندان هویت حزبی می‌سازند در انتخابات هزینه تبلیغات کمتر شده و رای‌دهندگان با توجه به لیست حزب مطبوعشان رای می‌دهند. برای تاثیرگذاری بر رفتار انتخاباتی مردم، حزب سیاسی با استفاده از روزنامه‌های خاص

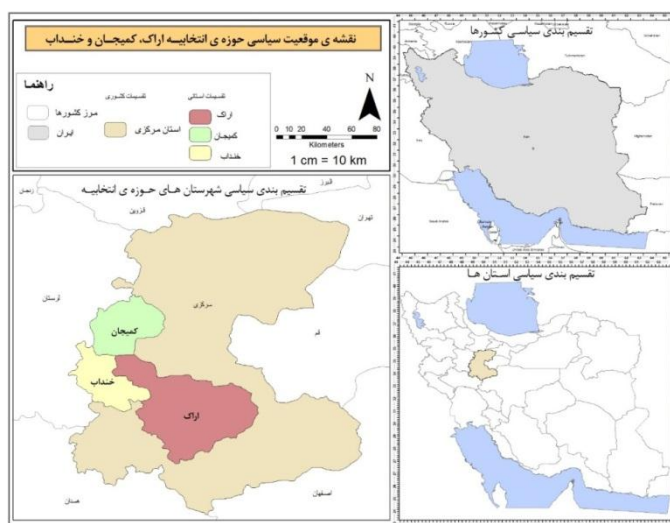
این استان با شش حوزه انتخابیه در ۱۲ شهرستان، مجموعاً هفت نماینده در مجلس شورای اسلامی دارد. در این میان، حوزه انتخابیه اراک، کمیجان، خنداب با دو نماینده در مجلس با جمعیتی نزدیک به ۷۰۰ هزار تن پرجمعیت‌ترین حوزه انتخابیه استان است تا پیش از سال ۱۳۵۶ این حوزه انتخابیه پیش از تشکیل استان مرکزی بخشی از استان تهران به شمار می‌رفت [۲۲]. در دور سوم انتخابات مجلس شورای اسلامی (فروردین ۱۳۶۷) حوزه انتخابیه اراک، کمیجان، خنداب از تهران جدا شد و دو کرسی مجلس را از آن خود کرد [۲۳]. از این‌رو دوره‌های سوم تا یازدهم انتخابات مجلس شورای اسلامی کانون بررسی مقاله حاضر قرار گرفته است.

خود، اخبار سیاسی داخلی و بین‌المللی را نشر می‌دهد با برگزاری گردهمایی‌ها و جلسات حزبی، آگاهی سیاسی مردم و اعضا را نسبت به اطلاعات سیاسی خاصی حساس کرده و توجه آن‌ها را نسبت به پدیده‌های سیاسی خاصی معطوف و متمرکز می‌سازد [۲۰].

محیط‌شناسی پژوهش

استان مرکزی به مرکزیت شهر اراک با مساحتی حدود ۲۹.۱۲۷ کیلومتر مربع کمتر از ۱.۸۲ درصد از کل مساحت کشور را در بر گرفته است [۲۱]. استان مرکزی از شمال به استان تهران، البرز و قزوین، از شرق به تهران و قم، از غرب به همدان و از جنوب به لرستان و اصفهان محدود می‌شود.

شکل ۱: نقشه موقعیت سیاسی حوزه انتخابیه اراک، کمیجان و خنداب



منبع: نگارندگان - برپایه داده‌های مرکز آمار ایران

اراک

بخش‌های خدماتی با نرخ ۴۳.۱ درصد، صنعتی با نرخ ۴۱.۱ درصد و کشاورزی با نرخ ۱۵.۸ درصد می‌شود [۲۵]. وجود صنایع مادر در اراک و کارخانه‌های تولیدی در شهرستان ساوه باعث شده این استان به یکی از قطب‌های صنعتی کشور

شهرستان اراک با مرکزیت شهر اراک با جمعیتی نزدیک به ۶۰۰ هزار تن [۲۴] به‌عنوان شهری توسعه یافته پایتخت صنعتی کشور است. اقتصاد شهر اراک به ترتیب اهمیت شامل

نیز اکثراً شیعه مذهب هستند. با وجود اینکه اراک از شهرهای مهاجر پذیر کشور است اما مهاجران نتوانسته‌اند بافت جمعیتی را تغییر دهند و در جمعیت اراک حل شده‌اند و به‌صورت گتو یا محله‌ای زندگی نمی‌کنند.

شهرستان کمیجان

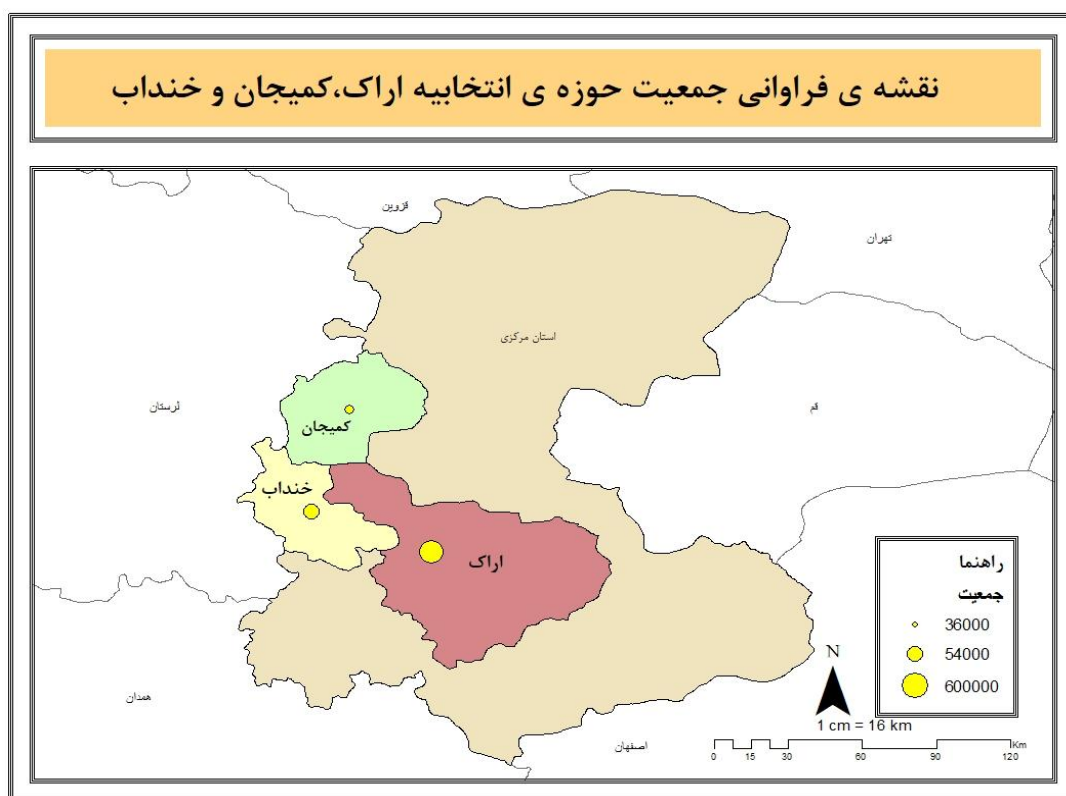
شهرستان کمیجان به مرکزیت شهر کمیجان به‌عنوان بخشی از این حوزه انتخابیه یاد شده با جمعیتی افزون بر ۳۶ هزار تن [۲۹] نفر است. در ۹۶ کیلومتری شهر اراک قرار دارد. مردم این شهر گویش‌ور دو زبان ترکی و فارسی و پیرو مذهب تشیع هستند [۳۰].

شهرستان خنداب

شهرستان خنداب به مرکزیت شهر خنداب با جمعیتی افزون بر ۵۴ هزار تن [۳۱] در هشتاد کیلومتری جنوب باختری اراک واقع است. این شهرستان تا سال ۱۳۶۸ بخشی از شهرستان اراک به شمار می‌رفت. از آن زمان به‌عنوان شهرستان جدید وارد نقشه جغرافیای استان شد. بیشینه مردم این شهرستان گویش‌ور زبان ترکی هستند و بخشی از مردم شهر و روستاهای پیرامون نیز به گویش لری سخن می‌گویند.

تبدیل شود [۲۶]. کارخانه‌ها و شرکت‌های صنعتی مختلف به تجمع خدمات گوناگون در شهر اراک انجامید است که از دیدگاه برخورداری مردم از این خدمات در کشور جایگاه قابل قبولی دارد. بر پایه داده‌های مرکز آمار و اطلاعات راهبردی وزارت کار از نتایج طرح آمارگیری مرکز آمار ایران، استان مرکزی در سال ۱۳۹۹ جزو استان‌های با درصد بیکاری کم (۷.۴ درصد) بود [۲۷]. همچنین آمارها نشان می‌دهند در میان نوع فعالیت بخش صنعت با ۴۳۶، بخش خدمات با ۳۹۰.۹ و بخش کشاورزی با ۱۷.۲ درصد بیشترین نیروی کار را به خود جذب کرده‌اند که نشانگر غلبه معیشت مدرن و شهری به معیشت روستایی و کشاورزی است [۲۸]. کلان‌شهر اراک نیز به‌عنوان مرکز استان نیز از این رویه پیروی می‌کند. همین امر باعث شده از دیدگاه توزیع ثروت و امکانات، قشر متوسط نسبت به دو قشر فقیر و ثروتمند درصد بیشتری به خود اختصاص دهد به همین علت در شهر اراک مناطق حاشیه‌ای و فقیرنشین و مناطق ثروتمند نشین به‌عبارتی بالا شهر مشخصی به‌صورت آنچه در تهران یا شهرهای بزرگ دیگر دیده می‌شود قابل مشاهده نیست. از نظر بافت جمعیتی نیز ساکنان اراک تقریباً همگون هستند و گروه‌های قومی و طایفه‌ای کمتر در این شهر به چشم بیایند. از سوی دیگر بیشینه ساکنان این شهر فارسی زبان هستند و از نظر مذهبی

شکل ۲: نقشه فراوانی جمعیت حوزه انتخابیه اراک، کمیجان و خنداب



منبع: نگارندگان - برپایه داده‌های مرکز آمار ایران

یافته‌های پژوهش

توزیع حقوقی قدرت در ج.ا.ایران

ایران در زمره کشورهایی است که ساختار حقیقی قدرت سیاسی پیچیده و درهم‌تنیده‌ای دارد. این امر بازتاب تجارب اجتماعی، واقعیت‌های عینی، تجارب تاریخی و هنجارهای سیاسی تکرار شونده است. [۳۲]. براساس اصل اول قانون اساسی «حکومت ایران جمهوری اسلامی است» که با انقلاب اسلامی در تاریخ ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ و همه‌پرسی ۱۲ فروردین ۱۳۵۸ در ایران مستقر شده است. حکومت جمهوری اسلامی براساس ولایت امر و امامت مستمر، قانون اساسی زمینه تحقق رهبری فقیه جامع الشرایطی را که از طرف مردم به‌عنوان رهبر شناخته می‌شود (مجاری الامور، بیدالعلماء بالله الامناء علی

حلاله و حرامه) آماده می‌کند تا ضامن عدم انحراف سازمان‌های مختلف از وظایف اصیل اسلامی خود باشند [۳۳]. بر اساس اصل ۵۶ قانون اساسی «حاکمیت مطلق بر جهان و انسان از آن خدا است و هم او، انسان را بر سرنوشت اجتماعی خویش حاکم ساخته است. هیچ‌کس نمی‌تواند این حق الهی را از انسان سلب کند یا در خدمت منافع فرد یا گروهی خاص قرار دهد و ملت این حق خداداد را از طرقی که در اصول بعد می‌آید اعمال می‌کند.»

۱. ولایت مطلقه فقیه

براساس اصل ۵ قانون اساسی «در زمان غیب حضرت ولی عصر "عجل الله تعالی فرجه" در جمهوری اسلامی ایران

ولایت امر و امامت امت بر عهده فقیه عادل و با تقوی، آگاه به زمان، شجاع، مدیر و مدبر است که طبق اصل یکصد و هفتم عهده‌دار آن می‌گردد.» و همچنین طبق اصل ۵۷ قانون اساسی «قوای حاکم در جمهوری اسلامی ایران عبارت‌اند از: قوه مقننه، قوه مجریه و قوه قضائیه که زیر نظر ولایت مطلقه امر و امامت امت بر طبق اصول آینده این قانون اعمال می‌گردند». در حقیقت رهبر حکومت جمهوری اسلامی تعیین کننده تمام سیاست‌های کلان نظام به صوت مستقیم و غیرمستقیم است.

۲. رئیس‌جمهور

پس از مقام رهبری رئیس‌جمهور عالی‌ترین مقام رسمی کشور است و مسئولیت اجرای قانون اساسی و ریاست قوه مجریه را جز در اموری که مستقیماً به رهبری مربوط می‌شود، بر عهده دارد و با رای مستقیم مردم انتخاب می‌شود. امضای عهدنامه‌ها، مقاله‌ها، موافقت‌نامه‌ها و قراردادهای دولت ایران با سایر دولت‌ها و همچنین امضای پیمان‌های مربوط به اتحادیه‌های بین‌المللی پس از تصویب مجلس شورای اسلامی و برنامه ریزی ملی، بودجه و وظیفه گماشتن‌های دولتی، گماشتن وزیرها، استاندارها و سفیرها تابع تصدیق مجلس شورای اسلامی، از جمله وظایف رئیس‌جمهوری است [۳۴]. همچنین رئیس‌جمهوری در ایران رئیس شورای عالی امنیت ملی و رئیس شورای عالی انقلاب فرهنگی نیز هست [۳۵].

۳. مجمع تشخیص مصلحت نظام

مجمع تشخیص مصلحت نظام برای تشخیص مصلحت در مواردی که مصوبه مجلس شورای اسلامی را شورای نگهبان خلاف موازین شرع و یا قانون اساسی بدانند و مجلس با در نظر

گرفتن مصلحت نظام نظر شورای نگهبان را تامین نکند و مشاوره در اموری که رهبری به آنان ارجاع می‌دهد و سایر وظایفی که در این قانون ذکر شده است به دستور رهبری تشکیل می‌شود. اعضا ثابت و متغیر این مجمع را مقام رهبری تعیین می‌کند. مقررات مربوط به مجمع توسط خود اعضا تهیه و تصویب و به تأیید مقام رهبری خواهد رسید [۳۶].

۴. شورای نگهبان قانون اساسی

شورای نگهبان از جمله نهادهای نظارتی نظام جمهوری اسلامی ایران است، تمامی مصوبات مجلس شورای اسلامی پیش از لازم الاجرا شدن، نیازمند توشیح این شورا است تا از بروز هرگونه مغایرتی با موازین شرع و قانون اساسی جلوگیری به عمل آید. تأیید صلاحیت نامزدهای تمامی انتخابات سراسری کشور به‌جز انتخابات شوراهای شهر و روستا نیز در حیطه وظایف این شورا جای دارد [۳۷].

۵. مجلس خبرگان رهبری

مجلس خبرگان رهبری مجلسی متشکل از فقیه‌های «واجد شرایط» است که براساس اصل ۱۰۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مسئولیت تعیین ولی فقیه (رهبر جمهوری اسلامی) را دارد و اعضای آن به‌وسیله انتخابات و توسط رای مستقیم و مخفی مردم انتخاب می‌شوند. این مجلس مطابق تعریف قانون اساسی اصل ۱۰۸ صلاحیت خودتنظیمی دارد و «قانون مربوط به تعداد و شرایط خبرگان، کیفیت انتخاب آن‌ها و این‌نامه داخلی جلسات آنان برای نخستین دوره باید به‌وسیله فقها اولین شورای نگهبان تهیه و با اکثریت آرا آنان تصویب شود و به تصویب نهایی رهبر انقلاب برسد. از آن پس هرگونه

۷. قوه قضائیه

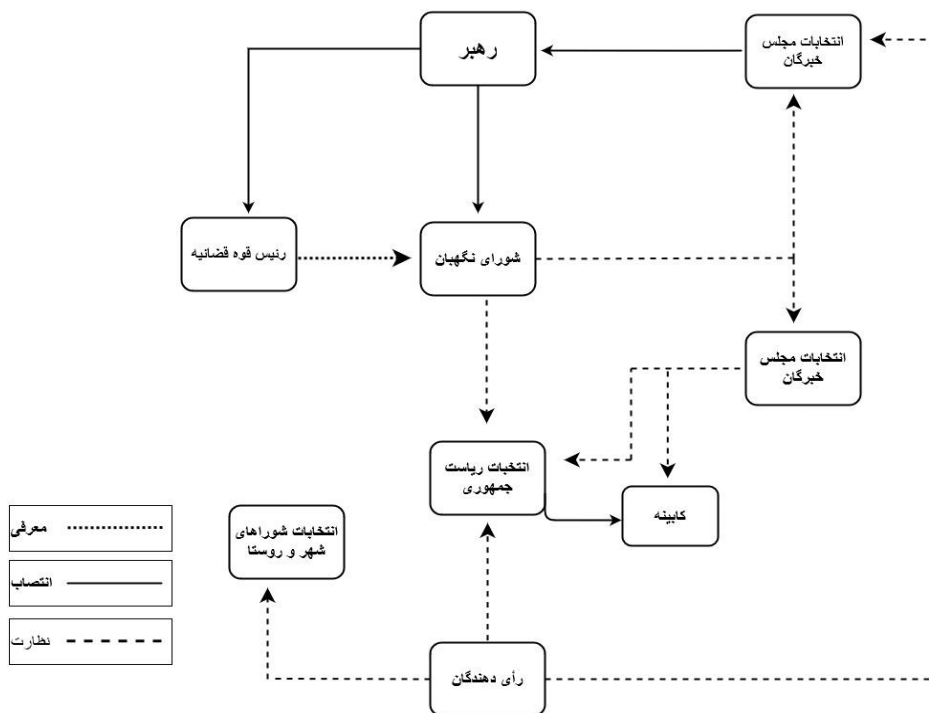
براساس اصل ۱۵۶ قانون اساسی، قوه قضائیه قوه‌ای است مستقل که پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی و مسئول تحقق بخشیدن به عدالت است. وظایف این قوه بر پایه همین اصل به شرح زیر است: رسیدگی و صدور حکم درباره تظلمات، تعدیات، شکایات، حل و فصل دعاوی و رفع خصومات و اخذ تصمیم و اقدام لازم در آن قسمت از امور حسبیه که قانون معین می‌کند، احیای حقوق عامه و گسترش عدل و آزادی‌های مشروع، نظارت بر حسن اجرای قوانین، کشف جرم و تعقیب مجازات و تعزیر مجرمین و اجرای حدود و مقررات مدون جزایی اسلام و اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین. رئیس قوه قضائیه توسط رهبر انتخاب می‌شود که هر انتخاب برای مدت پنج سال است که البته محدودیتی برای انتخاب مجدد وجود ندارد.

تغییر و تجدیدنظر در این قانون و تصویب سایر مقررات مربوط به وظایف خبرگان در صلاحیت خود آنان است.» [۳۸].

۶. قوه مقننه

قوه مقننه یکی از سه قوه نظام ج.ا. ایران است که کار تهیه و تصویب قوانین عمومی کشور را بر عهده دارد. قوه مقننه به صورت دو بخشی عمل می‌کند. یکی مجلس شورای اسلامی که در آن نمایندگان منتخب مجلس، قوانین گوناگون مورد نیاز کشور را تهیه و تصویب می‌کنند و دیگری شورای نگهبان قانون اساسی که کار نظارت بر مصوبات مجلس شورای اسلامی و انطباق آن‌ها با قانون اساسی و شرع را بر عهده دارد. تفسیر قانون اساسی ج.ا. ایران و تائید انطباق مصوبات مجلس برای سه چهارم فقهای این شورا صورت می‌گیرد.

نمودار ۱: الگوی مناسبات توزیع قدرت بر پایه قانون اساسی ج.ا.



منبع: [۳۹]

جریان‌های سیاسی موثر بر ساختار قدرت ج.ا. ایران

در ایران احزاب سابقه کمتری نسبت به کشورهای غربی دارد. در تاریخ ایران سه جریان بزرگ را سبب شکل‌گیری احزاب سیاسی می‌دانند: جریان ملی، جریان مذهبی و جریان چپ. گرچه پیش از احزاب نیز انجمن‌ها و فرقه‌ها به‌گونه‌ای منسجم به فعالیت سیاسی در ایران می‌پرداختند [۴۰]. اما به‌روشنی می‌توان دریافت که در سال‌های بعد از انقلاب تاکنون به‌هیچ وجه احزاب مردمی و خودجوش واقعی که موثر بر حاکمیت و اخذ تصمیم‌گیری‌های سیاسی باشند سرکار نیامده‌اند و هرچند برخی احزاب محتاطانه و گاه موسمی و منقطع فعالیت می‌کنند، کاربرد عنوان احزاب برای این‌گونه تشکل‌ها محل تردید است. در واقع این گروه‌ها بیشتر به ماشین‌هایی شبیه هستند که عمدتاً در موسم انتخابات روشن می‌شوند و رای جمع می‌کنند [۴۱]. در توضیح بیشتر باید افزود در جمهوری اسلامی ایران، با پایان یافتن جنگ تحمیلی و اجرای قانون احزاب، ده‌ها تشکل سیاسی ایجاد شدند. اولین ویژگی بارز این‌گونه احزاب، بهره‌گیری از قدرت در زمان تاسیس است؛ یعنی این احزاب را عمدتاً افرادی به وجود آورده‌اند که در مصدر قدرت سیاسی بودند و اقدام به تاسیس آن‌ها بر مبنای اتکای ایشان به قدرت بوده است. به همین جهت به آن‌ها «احزاب دولت ساخته» می‌گویند. دومین ویژگی مهم این احزاب حرکت پاندولی آن‌ها است؛ زیرا به دلیل ضعف پایگاه اجتماعی عمیق، به این امر واقف‌اند که تا زمانی که در قدرت هستند، در سطح جامعه هم طرفدارانی دارند و از همین رو متناسب با فضای سیاسی-اجتماعی جامعه، خواسته‌های خود را تغییر می‌دهند و گاه به رویکردی عمل‌گرایانه (پراگماتیستی) و فرصت طلبانه (اپورپونیستی) روی می‌آورند تا در قدرت بمانند [۴۲]. طی دو

دهه گذشته نیز دو طیف اصلاح‌طلب و اصول‌گرا بیشترین نقش‌آفرینی در مناسبات سیاسی کشور و به‌ویژه انتخابات را داشته‌اند و احزاب و گروه‌های مختلف خود را به یکی از این دو جناح منتسب کرده‌اند.

انتخابات ریاست جمهوری در ایران

پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران تا (۱۳۹۹) جمعا ۳۷ بار به ارای مردم مراجعه شده است که دوازده مورد از این موارد مربوط به انتخابات ریاست جمهوری است. در ایران مقام رئیس جمهور، به‌موجب اصل ۱۱۳ قانون اساسی پس از رهبری عالی‌ترین مقام رسمی کشور است و مسئولیت اجرای قانون اساسی و همچنین ریاست قوه مجریه را بر عهده دارد. نکته آنکه براساس قانون اساسی انتخاب رئیس‌جمهور از طریق آرای مستقیم مردم و تنفیذ از سوی مقام رهبری صورت می‌گیرد. انتخابات ریاست جمهوری در ایران از اهمیت زیادی برخوردار است. در قانون اساسی در خصوص شرایط نامزدهای ریاست جمهوری، نصاب آرای مورد نیاز، مراحل انتخابات و مانند آن ترتیباتی تعیین گردیده است که معمولاً تعیین در خصوص سایر نهادهای حکومتی آن به قوانین عادی کشور احاله شده است [۴۳]. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در قالب اصل‌های ششم، نود و نهم، یکصد و دهم، یکصد و سیزدهم تا یکصد و بیست و یکم در مورد انتخابات ریاست جمهوری و وظایف رئیس‌جمهور بحث و قانون‌گذاری صورت گرفته است [۴۴]. انتخابات ریاست جمهوری در قیاس با دیگر انتخابات همواره جذابیت بیشتر نخبگان و گروه‌های سیاسی کشور داشته است. به نظر می‌رسد یکی از دلایل آن را بتوان به حوزه اختیارات قوه اجراییه، ظرفیت و قدرت گفتمان‌سازی نامزدها و

را ندارد. طبیعی است که رئیس‌جمهور نمی‌تواند همه مطالبات را برآورده کند و اساساً راهبردها و گفتمان هر یک از دولت‌ها و رئیس‌جمهور جدید از برآوردن کامل خواسته‌های مردم (اشتغال، تورم، پیکار با فقر، فساد، تبعیض، ...) ناتوان است که نتیجه آن ریزش طرفداران، انتقاد رای دهندگان و جریان‌های رقیب سیاسی بوده است. زمانی که ناراضی‌های بر خاسته از ناکارآمدی و ناتوانی دولت در زندگی روزمره مردم به یک مسئله فراگیر و عمومی تبدیل می‌شود، زمینه‌های اجتماعی و آمادگی ذهنی برای تغییر و دگرخواهی در جامعه نیز فراهم می‌شود [۴۵].

روسای جمهوری در نظام اجتماعی و نیز عرصه حاکمیتی نسبت داد؛ به این مفهوم که تجربه نشان داده است گفتمان ریاست جمهوری، در پیروزی افراد و جریان‌های سیاسی همسو در انتخابات مجلس شورای اسلامی و حتی شوراهای کارکرد بالایی داشته است (اکثریت اصلاح طلبان در محل ششم و اکثریت اصولگرایان در مجلس هفتم و هشتم). دیگر آنکه در کشور ما انتخابات ریاست جمهوری ماهیتی انتقادی و چالشی دارد. مردم هر بار به کسی رای می‌دهند که همه چیز را دگرگون کند و تغییرات بنیادین ایجاد کند، اما تجربه نشان داده است فرد برگزیده و به قدرت رسیده توان تامین رضایت عموم یا اکثریت

جدول ۱: مشخصات انتخابات ریاست جمهوری در ایران

نام دوره	تاریخ برگزاری	شمار نامزدهای رسمی	واجدان شرایط رای به میلیون	درصد مشارکت	رئیس‌جمهور برگزیده	گرایش سیاسی	حزب	آرا رئیس‌جمهور	درصد آرا
دور اول	۱۳۵۸/۱۱/۰۵	۱۲۴	۲۰،۹۹۳،۶۴۳	۶۷/۸۶	ابوالحسن بنی‌صدر	مستقل	مستقل	۱۰،۰۷۵،۳۰۷۵۱	۷۷،۰۹۹
دور دوم	۱۳۶۰/۰۵/۰۲	۴	۲۲،۶۸۷،۰۱۷	۶۴/۲۴	محمدعلی رجایی	راست انقلابی	جمهوری اسلامی	۱۲،۰۷۷،۰۰۵۰	۸۷،۰۶۲
دور سوم	۱۳۶۰/۰۷/۱۰	۴	۲۲،۶۸۷،۰۱۷	۷۴/۲۶	سید علی خامنه‌ای	راست انقلابی	جمهوری اسلامی	۱۵،۰۹۰،۵۰۹۸۷	۹۴،۰۴۱
دور چهارم	۱۳۶۴/۰۷/۲۵	۳	۲۵،۹۹۳،۸۰۲	۵۴/۷۸	سید علی خامنه‌ای	راست انقلابی	جمهوری اسلامی	۱۲،۰۲۰،۵۰۱۲	۸۵،۰۷۱
دور پنجم	۱۳۶۸/۰۴/۰۶	۲	۳۰،۱۳۹،۵۹۸	۵۴/۵۹	اکبر هاشمی رفسنجانی	جمهوری اسلامی	جامعه روحانیت مبارز	۱۵،۰۵۵،۰۵۲۸	۹۴،۰۵۱
دور ششم	۱۳۷۲/۰۳/۲۱	۴	۳۳،۱۵۶،۰۵۵	۶۶/۵۰	اکبر هاشمی رفسنجانی	اصلاح‌طلبی	جامعه روحانیت مبارز	۱۰،۰۵۶۶،۰۴۹۵	۶۲،۰۹۰
دور هفتم	۱۳۷۶/۰۳/۰۲	۴	۳۶،۴۶۶،۴۸۷	۹۲/۷۹	سید محمد خاتمی	اصلاح‌طلبی	جامعه روحانیون مبارز	۲۰،۰۱۳۸،۰۷۸۴	۶۹،۰۰۹
دور هشتم	۱۳۸۰/۰۳/۱۸	۱۰	۴۲،۱۷۰،۲۳۰	۶۸/۷۷	سید محمد خاتمی	اصلاح‌طلبی	جامعه روحانیون مبارز	۲۱،۰۶۵۹،۰۵۳	۷۷،۰۱۲
دور نهم	۱۳۸۴/۰۳/۲۷	۷	۴۶،۷۸۶،۴۱۸	۶۲/۶۶	-	-	-	-	-
دور نهم (مرحله)	۱۳۸۴/۰۴/۰۳	۲	۴۶،۷۸۶،۴۱۸	۵۹/۸۲	محمود احمدی‌نژاد	اصول‌گرایی	جامعه اسلامی	۱۷،۰۲۸۴،۰۷۸۲	۶۱،۰۸۲

									(دوم)
۶۲،۶۲	۲۴۰۵۲۷،۵۱۶	مهندسين جامعه اسلامی مهندسين	اصول‌گرایی	محمود احمدی‌نژاد	۸۵	۴۶،۱۹۹،۹۹۷	۴	۱۳۸۸/۰۳/۲۲	دور دهم
۵۰،۷۱	۱۸،۶۱۳،۳۲۹	حزب اعتدال و توسعه	اعتدالی- اصولگرایی	حسن روحانی	۷۲/۷	۵۰،۴۸۳،۱۹۲	۶	۱۳۹۲/۰۳/۲۴	دور یازدهم
۵۷،۱۴	۲۳،۶۳۶،۶۵۲	حزب اعتدال و توسعه	اعتدالی- اصولگرایی	حسن روحانی	۷۳/۳۳	۵۶،۴۱۰،۲۳۴	۸	۱۳۹۶/۰۲/۲۹	دور دوازدهم

منبع: [۴۴]

انتخابات مجلس شورای اسلامی

انتخابات مجلس شورای اسلامی در ج.ا. ایران پس از انتخابات ریاست جمهوری مهم‌ترین انتخابات و در سطح استانی- ملی برگزار می‌شود. انتخابات مذکور با توجه به سطح برگزاری آن و بسته به حوزه انتخابیه از ویژگی‌های در میانه طیف انتخابات ملی و محلی قرار دارد. در این نوع از انتخابات احزاب، علائق محلی و جو سیاسی موجود در کشور به صورت مشترک در تصمیم‌گیری دهندگان تاثیر می‌گذارد و همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد تا اندازه زیادی متاثر از فضای غالب در انتخابات ریاست جمهوری است. این سطح از انتخابات بیش از انتخابات شوراها و کمتر از انتخابات ریاست جمهوری از مفاهیم حس مکان، تاثیر همسایگی، جستار زادبوم و درون‌مایه احساسی برای انتخاب نمایندگی تاثیر می‌پذیرد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران تا (۱۳۹۹) جمعاً ۱۱ بار انتخابات مجلس شورای اسلامی برگزار شده است (جدول ۲) که براساس آمار رسمی میزان مشارکت مردمی در انتخابات مجلس شورای اسلامی به ترتیب از دوره اول ۵۲،۱۴ درصد به ۴۲،۵۷ درصد در دوره یازدهم رسیده است. به صورت میانگین و طی این یازده دوره انتخابات مجلس، نرخ مشارکت در انتخاب مجلس در کل کشور ۵۴/۸۱ درصد بوده است. بیش‌ترین میزان مشارکت در انتخابات

مجلس ششم با ۶۷ درصد و کم‌ترین میزان مشارکت در انتخابات مجلس یازدهم با ۴۲،۵۷ درصد بوده است. با توجه به اصول ۶۲ تا ۹۹ قانون اساسی، نمایندگان مجلس شورای اسلامی با رای مستقیم و مخفی مردم برای چهار سال انتخاب می‌شوند و تعداد آن‌ها هم‌اکنون ۲۹۰ نفر است که به استناد همه‌پرسی سال ۱۳۶۸ هر ده سال حداکثر ۲۰ نماینده به آن اضافه می‌شوند [۴۶]. براساس آخرین تقسیم بندی وزارت کشور در سال ۱۳۹۸ کشور به ۲۰۸ حوزه انتخابیه تقسیم شده است و ۲۹۰ نماینده از این حوزه‌های انتخابیه برای ورود به مجلس انتخاب می‌شوند [۴۷]. همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد فضای حاکم بر انتخابات در ایران به‌ویژه انتخاب مجلس متاثر از کنش دو جناح اصلی یعنی جناح راست و چپ که بعدها اصلاح‌طلبان و اصول‌گرایان خوانده می‌شوند، است. از این‌رو همچنان به‌جز مجلس اول که مجلسی مختلط محسوب می‌شد و نمایندگان مستقل اکثریت را در دست داشته‌اند در باقی دوره‌ها احزاب یا جناح‌ها اکثریت مجلس را به‌تناوب در دوره‌های مختلف در اختیار داشته‌اند. بر این اساس در دوره‌های سوم، ششم و نهم اکثریت مجلس در دست احزاب اصلاح‌طلب و جناح چپ قرار داشته و در دوره‌های دوم، چهارم، پنجم، هفتم،

هشتم، نهم و یازدهم اصولگرایان و جناح راست اکثریت مجلس را تشکیل می‌دادند.

جدول ۲: مشخصات انتخابات مجلس شورای اسلامی در ایران

دوره	تاریخ برگزاری	جمعیت واجد شرایط	شمار شرکت‌کنندگان	درصد مشارکت	شمار داوطلبان	گرایش اکثریت مجلس	گرایش اقلیت مجلس
اول	۱۳۵۸/۱۲/۲۴	۲۰،۸۵۷،۳۹۱	۱۰،۸۷۵،۹۶۹	۵۲،۱۴	۳،۶۹۴	ائتلاف جناح راست	مستقلین
دوم	۱۳۶۳/۰۱/۲۶ ۱۳۶۳/۰۲/۲۷	۲۴،۱۴۳،۴۹۸	۱۵،۰۶۰،۷۰۳	۶۰،۶۴	۱۰،۵۹۲	جناح راست	
سوم	۱۳۶۷/۰۱/۱۹ ۱۳۶۷/۰۲/۲۳	۲۷،۹۸۶،۷۳۶	۱۶،۷۱۴،۲۸۱	۵۱،۷۲	۱۰،۹۹۹	مجمع روحانیون مبارز	جامعه روحانیت مبارز
چهارم	۱۳۷۱/۰۱/۲۱	۳۲،۴۶۵،۵۵۸	۱۸،۰۷۶،۰۴۲	۵۰،۸۱	۳،۲۳۳	جامعه روحانیت مبارز	مجمع روحانیون مبارز
پنجم	۱۳۷۴/۱۲/۱۸	۳۴،۷۶۳،۹۲۷	۲۴،۶۸۲،۳۸۶	۵۱	۵،۳۶۵	جامعه روحانیت مبارز	ائتلاف گروه‌های خط امام
ششم	۱۳۷۸/۱۱/۲۹ ۱۳۷۹/۰۲/۱۶	۳۸،۷۲۶،۴۳۱	۲۶،۰۸۲،۱۵۷	۶۷	۶،۸۵۳	اصلاح‌طلبی	اصولگرایی
هفتم	۱۳۸۲/۱۲/۰۱	۴۶،۳۵۱،۰۳۲	۲۳،۴۳۸،۰۳۰	۵۱،۲۱	۸،۱۷۲	اصول‌گرایی	اصلاح‌طلبی
هشتم	۱۳۸۶/۱۲/۲۴	۴۳،۸۲۴،۲۵۴	۲۴،۲۷۹،۷۱۷	۵۰،۰۴	۷،۶۰۰	اصول‌گرایی	اصلاح‌طلبی
نهم	۱۳۹۰/۱۲/۱۲	۴۸،۲۸۸،۷۹۹	۳۰،۸۴۴،۴۶۲	۶۳،۸۷	۵،۲۸۳	اصول‌گرایی	اصلاح‌طلبی
دهم	۱۳۹۴/۱۲/۰۷ ۱۳۹۵/۰۲/۱۰	۵۴،۹۱۵،۰۰۴	۳۳،۹۵۶،۶۵۱	۶۱،۶۳	۱۲،۰۷۲	اصول‌گرایی	اصلاح‌طلبی
یازدهم	۱۳۹۸/۱۲/۰۲	۵۷،۹۱۸،۱۵۹	۲۴،۵۱۲،۴۰۴	۴۲،۵۷	۵،۲۳۲	اصول‌گرایی	مستقل

منبع: نگارندگان براساس داده‌های مجلس شورای اسلامی [۴۷]

گرایش سیاسی منتخبان حوزه انتخابیه اراک، کمیجان و خنداب

براساس داده‌های پیش این حوزه انتخابیه اراک، کمیجان و خنداب به لحاظ سیاسی از کلان‌روندهای موجود در کشور از جمله احزاب مطرح و انتخابات ریاست جمهوری و فضای سیاسی حاکم بر انتخابات مجلس شورای اسلامی پیروی

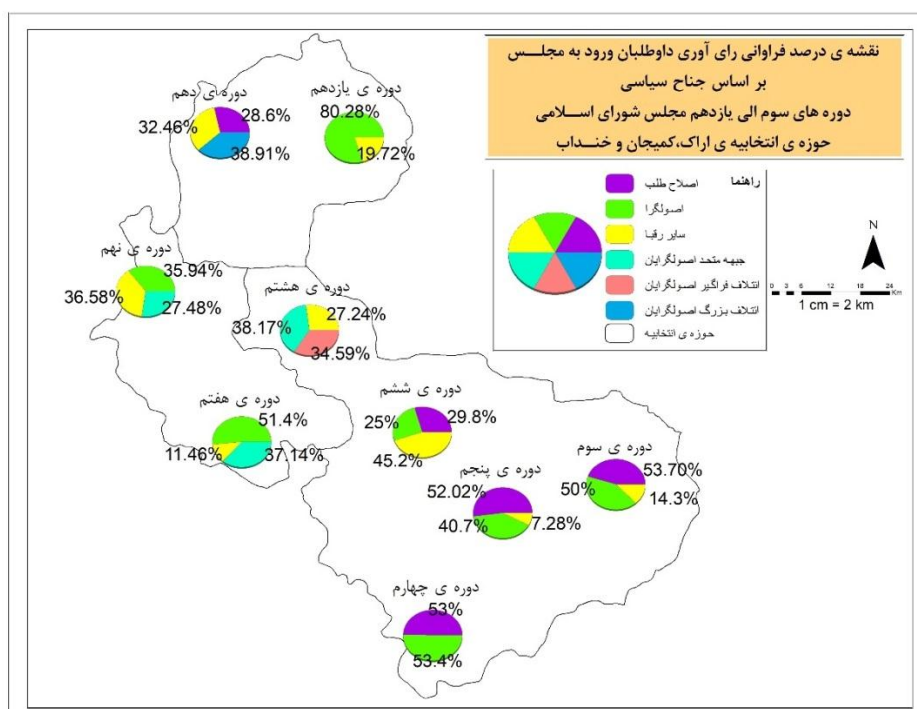
می‌کند. به نوعی که انتخابات نمایندگان مجلس حوزه انتخابیه اراک، کمیجان و خنداب همخوانی فراوانی با انتخابات ریاست جمهوری و مجلس در سراسر کشور داشته و نمایندگان راه یافته به مجلس از حوزه انتخابیه مذکور در بیشتر دوره‌ها با گرایش سیاسی اکثریت در مجلس و گرایش سیاسی رئیس‌جمهور همسان است.

جدول ۳: نمایندگان حوزه انتخابیه اراک، کمیجان و خنداب در مجلس - دوره‌های سوم تا یازدهم

نماینده مجلس	دوره	گرایش سیاسی	شمار آرا	درصد آرا
غلامرضا فدایی عراقی	سوم	اصولگرایی	۵۳,۰۰۷	۵۳.۷۰
سید حسن الحسینی	سوم	اصلاح‌طلبی	۸۶,۶۱۴	۵۰.۰۰
سید حسین شریفی	چهارم	اصلاح‌طلبی	۴۸,۸۸۶	۵۳.۰۰
محمد رضا مقدم فیروز	چهارم	اصولگرایی	۴۹,۲۵۱	۵۳.۴۰
سید حسین شریفی	پنجم	اصلاح‌طلبی	۷۲,۴۰۰	۵۲.۰۲
غضنفر عیدی گل‌تپه‌ای	پنجم	اصلاح‌طلبی	۵۶,۴۱۴	۴۰.۷۰
علی حسینی	ششم	اصلاح‌طلبی	۷۷,۱۴۶	۳۹.۸۰
علی نظری	ششم	اصلاح‌طلبی	۶۱,۵۴۳	۲۵.۰۰
عباس رجایی	هفتم	اصولگرایی	۷۴,۴۶۴	۳۷.۱۴
حسن مرادی	هفتم	اصولگرایی	۵۱,۷۲۴	۵۱.۴۰
عباس رجایی	هشتم	اصولگرایی	۶۲,۵۱۴	۳۸.۱۷
سید احمد لطفی آشتیانی	هشتم	اصولگرایی	۵۶,۶۴۶	۳۴.۵۹
محمد حسن آصفری	نهم	اصولگرایی	۸۵,۰۸۵	۳۵.۹۴
عباس رجایی	نهم	اصولگرایی	۶۵,۰۳۸	۲۷.۴۸
علی اکبر کریمی	دهم	اصولگرایی	۱۰۳,۲۳۴	۳۸.۹۱
سید مهدی مقدسی	دهم	اصلاح‌طلبی	۸۸,۰۹۴	۲۸.۶۰
محمد حسن آصفری	یازدهم	اصولگرایی	۵۴,۹۲۱	۳۳.۶۰
علی اکبر کریمی	یازدهم	اصولگرایی	۷۶,۲۶۶	۴۶.۶۸

منبع: نگارندگان براساس داده‌های مرکز پژوهش‌های مجلس [۴۸]

شکل ۳: نقشه درصد فراوانی رای اوری نمایندگان منتخب حوزه انتخابیه اراک، کمیجان و خنداب براساس جناح سیاسی



منبع: نگارندگان بر پایه داده‌های مرکز پژوهش‌های مجلس [۴۸]

تجزیه و تحلیل

با توجه به جدول در دوره‌های سوم تا یازدهم انتخابات مجلس شورای اسلامی مجموعاً ۱۸ نفر از نامزدان به مجلس را یافته‌اند که ۷ نفر از این تعداد سهم اصلاح‌طلبان و ۱۱ نفر سهم مشترک اصولگرایان و جبهه متحد اصولگرایان بوده است. به این ترتیب ۳۸.۹ درصد نمایندگان به اصلاح‌طلبان و ۶۱.۱ درصد به اصولگرایان اختصاص دارد. نکته مهمی که از این آمار می‌توان به دست آورد این است که در ۹ دوره مورد مطالعه هیچ‌یک از نمایندگان راه‌یافته مستقل نبوده و همه آن‌ها وابسته به احزاب مطرح کشور هستند. این آمار نمایانگر آن است که مردم این حوزه انتخابیه با توجه به هویت حزبی و ملی در انتخابات شرکت کرده و هویت تباری-محلی تأثیری در رفتار انتخاباتی آن‌ها نداشته است. مردم شهرستان‌های کمیجان و خنداب که در بالا ذکر شد از نظر زبانی با مردم شهر اراک متفاوت‌اند اما به دلیل جمعیت ناچیز آن‌ها در برابر جمعیت کلان شهر اراک (مجموعاً ۹۸۶۰۲ نفر در مقابل ۵۹۹۶۳۴ نفر) نمی‌توانند تأثیر چندانی بر نتایج انتخابات بگذارند به همین دلیل از رفتار انتخاباتی مردم اراک پیروی می‌کنند. از این رو، مشخص می‌شود که احزاب توانسته‌اند الگوی فضایی رای را در حوزه انتخابیه مذکور به نفع خود تغییر دهند و از آن استفاده لازم را ببرند. هرچند نمی‌توان این نکته را نیز نادیده گرفت که مردم کلان شهر اراک به دلایلی که در بالا ذکر شد (توسعه سیاسی اقتصادی، سطح سواد، جمعیت یکدست از نظر زبان و مذهب و قرار گرفتن در مرکز کشور و نزدیکی به پایتخت) در انتخابات با توجه به کلان روند های کشور رای می‌دهند و نگرش‌های قومی در نزد آن‌ها کم‌رنگ است. همچنین قرارگیری اراک در مسیر کریدر شمال به جنوب و وجود راه‌های ارتباطی زیاد، این

شهر را به چهارراهی اقتصادی-فرهنگی تبدیل کرده است و این مسیرهای ارتباطی اندیشه‌های مردم اراک را به مردم پایتخت بسیار نزدیک کرده و تأثیر زیادی بر نگرش شهروندان این کلان‌شهر داشته است. از سوی دیگر داده‌های مربوط به انتخابات ریاست جمهوری و مجلس شورای اسلامی نشان می‌دهد گرایش نمایندگان انتخاب‌شده حوزه انتخابیه اراک، کمیجان و خنداب به‌جز در دوره‌های ششم، هشتم و دوازدهم که هر سه آنها دوره دوم روسای جمهور منتخب بوده‌اند با سایر دوره‌ها از نظر گرایش سیاسی همخوانی دارد. همچنین در زمینه گرایش سیاسی حاکم مجلس نیز گرایش سیاسی نمایندگان پیروز حوزه انتخابیه مورد پژوهش به‌جز دوره پنجم با سایر دوره‌ها هم‌راستا بوده است.

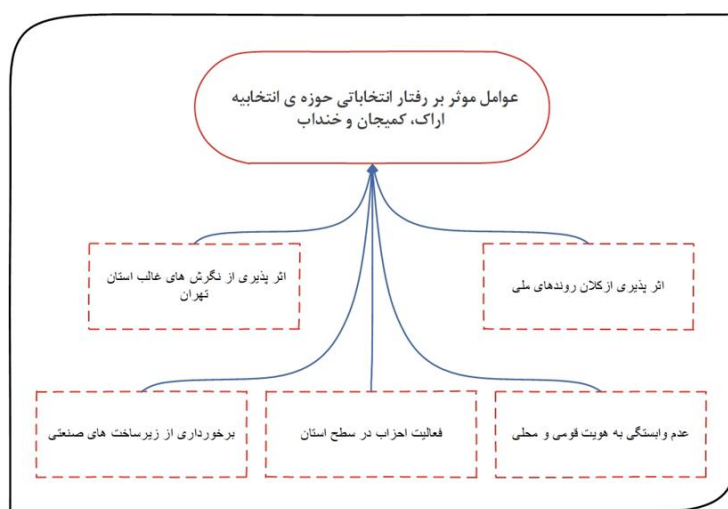
نتیجه‌گیری

ادراک محیطی شهروندان تابعی از سطح توسعه یافتگی، موقعیت جغرافیایی، ذهنیت سازی نخبگان و رسانه‌ها، سطح سواد و آگاهی، تعامل با فضاهای دور و نزدیک و ده‌ها عامل محیطی دیگر است. عواملی که به دگرگونی‌ها و مطالبات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی آن‌ها جهت و معنا می‌دهد. انتخابات نیز تجلی‌گاه مطالبات متنوع در مقیاس ملی و فرو ملی است. موقعیت جغرافیایی کشورمان طی تاریخ به‌گونه‌ای عمل کرده است که زمینه پیدایش تنوع سرزمینی و فرهنگی بوده است. تنوعی که دست‌کم طی یک‌صد سال گذشته در جهت‌دهی به تحولات داخلی و فراملی بارها اثرگذار نمود یافته است. در نظام ج.ا.ایران، انتخابات مجلس شورای اسلامی توان بالایی در نمایاندن تنوع خاستگاه و پایگاه آرا رای‌دهندگان داشته است. تجربه برگزاری ده‌ها دور انتخابات مجلس شورای اسلامی نشان داده که در بسیاری از حوزه‌های انتخابیه

به مجلس یا معرفی نکرده‌اند یا به دلیل جمعیت کم این شهرهای هیچ‌یک از این نامزدها نتوانسته‌اند در این ۹ دوره به مجلس راه یابند. درخور نگرش آنجا است که نامزدهای معرفی شده توسط احزاب با هویت محلی در انتخابات شرکت نکرده‌اند. از این‌رو، احزاب نتوانسته‌اند الگوی فضایی رای را در حوزه انتخابیه مذکور به نفع خود تغییر دهند. هرچند نمی‌توان این نکته را نیز نادیده گرفت که مردم کلان‌شهر اراک به دلایلی که در بالا ذکر شد (توسعه سیاسی اقتصادی، سطح سواد، جمعیت یکدست از نظر زبان و مذهب و قرار گرفتن در مرکز کشور و نزدیکی به پایتخت) در انتخابات با توجه به مولفه‌های ملی رای می‌دهند و نگرش‌های قومی- محلی در نزد آن‌ها کم‌رنگ است. همچنین قرارگیری اراک در مسیر گریدر شمال به جنوب و وجود راه‌های ارتباطی زیاد این شهر را به چهارراهی اقتصادی- فرهنگی تبدیل کرده است و این مسیرهای ارتباطی اندیشه‌های مردم اراک را به مردم پایتخت بسیار نزدیک کرده و تاثیر زیادی بر نگرش شهروندان این کلان‌شهر داشته است. از این‌رو، فرضیه مقاله تأیید می‌شود.

جهت‌گیری آرا رای‌دهندگان تابعی از گرایش سیاسی رئیس‌جمهوری برگزیده و کلان‌روندهای ملی است که عموماً در پایتخت هویدا می‌شوند و به گرایش سیاسی منتخبان مردم در مجلس شورای اسلامی در دیگر حوزه‌های انتخابیه جهت و معنا می‌دهد. در این میان، آمار راه‌یافتگان به مجلس شورای اسلامی از دوره سوم انتخابات مجلس شورای اسلامی در حوزه انتخابیه اراک، خنداب و کمبجان نشان می‌دهد که از مجموع ۱۸ نفر از نماینده‌ای که به مجلس راه یافته‌اند ۷ نفر (۳۸.۹ درصد) سهم اصلاح‌طلبان و ۱۱ نفر (۶۱.۱ درصد) سهم اصولگرایان بوده‌اند. این وضعیت گویای آن است که در ۹ دوره مورد مطالعه هیچ‌یک از نمایندگان راه‌یافته به مجلس مستقل نبوده و همه آن‌ها وابسته به جریان‌های سیاسی سطح کلان کشور بوده‌اند. نتیجه نشان می‌دهد جهت‌گیری سیاسی و به تبع آرا رای‌دهندگان این حوزه انتخابیه کمتر تابع عوامل محلی و بیشتر متأثر از کلان‌روندهای ملی به‌ویژه گرایش سیاسی رئیس‌جمهور منتخب بوده‌اند. دیگر آنکه این وزن ژئوپلیتیک اراک بوده است که به کلیت انتخابات جهت و معنا داده و دو شهرستان دیگر طی ادوار مختلف مجلس نامزدی برای راه‌یابی

شکل ۴: دیاگرام عوامل موثر بر رفتار انتخاباتی حوزه‌ی انتخابیه اراک، کمبجان، خنداب



منبع: نگارندگان

- (Foundations, Concepts and Approaches). Tehran: Strategic Studies Research Institute Publications, 2017, 262. [In Persian]
6. Kaviani Rad, Murad and Qara Beigi, Mossib. Geography of Elections (Foundations, Concepts and Approaches). Tehran: Strategic Studies Research Institute Publications, 2017. ۲۵۶. [In Persian]
7. Romina, Ebrahim and Sadeghi, Vahid. Investigating the Impact of Tribalism on the Voting Pattern; Case Study: Noorabad Mamsani city. Geopolitics Quarterly, 11 (39), 2014, 94. [In Persian]
8. . Kaviani Rad, Murad. Election Geography. Strategic Studies Quarterly, 10 (37), 2007, 427. [In Persian]
9. Hafez Nia, Mohammad Reza. Political Geography of Iran. first Edition, Tehran: Samt Publications, 2002, ۵. [In Persian]
10. Kaviani Rad, Murad and Qara Beigi, Mossib. Geography of Elections (Foundations, Concepts and Approaches). Tehran: Strategic Studies Research Institute Publications, 2017, ۲۹۵. [In Persian]
11. Goli, Ali and Mehkoui, Hojjat. The Spatial Pattern of Participation in the Presidential Elections, A Case Study: The 11th Term of the Presidency. Geopolitics Quarterly, 10th Year, No.2, summer 2013, 198. [In Persian]
12. Kaviani-Rad, Murad. Geography of elections with emphasis on presidential elections in Iran, First Edition. Tehran,

تشکر و قدردانی: موردی توسط نویسندگان گزارش نشده است.

تاییدیه‌های اخلاقی: موردی توسط نویسندگان گزارش نشده است.

تعارض منافع: موردی توسط نویسندگان گزارش نشده است.

سهم نویسندگان در مقاله: موردی توسط نویسندگان گزارش نشده است.

منابع مالی/حمایت‌ها: موردی توسط نویسندگان گزارش نشده است.

References

1. Ghaninejad, Musa. Freedom Civil Society, Economy and Politics. Tehran. Ministry of Culture and Islamic Guidance Publications, 1377, 35 [In Persian]
2. The New Encyclopedia Britannica. Election (Political Science). Chicago, 1988; Vol. IV. 423.
3. Mirahmadi, Fatemeh Sadat and Kaviani Rad Murad. Dominant Explanations in the Geography of Elections. Space Political Analysis Quarterly, Vol.1, No. 2, 2016, 106. [In Persian]
4. Pishgahi Fard, Zahra and Shushtri, Seyyed Mohammad Javad. Geographical Basis of the Origin of People's Votes in the Eighth Election Period of the Islamic Council. Geopolitics Quarterly, 4 (12), 2008, 110. [In Persian]
5. Kaviani Rad, Murad and Qara Beigi, Mossib. Geography of Elections

19. Ayoubi, Hojatullah. Electoral Participation. Political Participation, Collection of Articles, Tehran: Safir Publications, 1998, 218. [In Persian]
20. Hosseini, Hassan. Party and Political Development. Tehran: Amen Publishing House, 1999, 65. [In Persian]
21. Ismailpour, Fatemeh, Malek Hosseini, Sabah, Jabriai, Mehdi, Mohammadi Gholamreza and Mashhadi, Abolfazl. Central Provincial Studies. 10th Grade, Tehran: Iran Textbook Publishing Company, 2016, 2. [In Persian]
22. Markazi Province Governorate Information Base. reference date (21/04/2019):
<http://arak.ostan-mr.ir> [In Persian]
23. Markazi Province Governorate.
<http://ostan-mr.ir> [In Persian]
24. Iran Statistics Center. Census 2015. [In Persian]
25. Statistics Center of Iran. Tables of the Labor Force Census Plan in the Winter of 2018. 6 [In Persian]
26. Arak Governorate Information Base. reference date (12/06/2020):
http://rc.majlis.ir/fa/parliament_member?keyword=&lu_period_no=30&lu_province=markazi. [In Persian]
27. Del Azimi Farideh and others. Statistical Yearbook of Ministry of Cooperative. Labor and Social Welfare (2018). Second Chapter, Population and Labor Force, 40, [In Persian]
28. Del Azimi Farideh and others. Statistical Yearbook of Ministry of Cooperative. Kharazmi University Publications, 2012, 77. [In Persian]
13. Kavianirad, morad & Rasoli, majid. Explanation of relationship between Geography and Elections (Electoral Geography). Geopolitics Quarterly, Vol. 10, No. 4, Winter 2015. 103.
14. Kaviani-Rad, Murad. Geography of elections with emphasis on presidential elections in Iran. First Edition. Tehran, Kharazmi University Publications, 2012, 55. [In Persian]
15. Kaviani-Rad, Murad. Geography of elections with emphasis on presidential elections in Iran. First Edition. Tehran, Kharazmi University Publications, 2012, 52. [In Persian]
16. Zarqani, Seyedhadi and Razvinejad, Seyed Morteza. Investigation and Analysis of the Spatial Pattern of Vote Distribution in the 11th Presidential Election of Iran. Geopolitics Quarterly, 12(42), 2016, 79. [In Persian]
17. Kaviani-Rad Murad and Goharzagdegan-Manesh, Hossein. The Effect of Spatial Identity on the Spatial Pattern of Voting; A Case Study of the Elections of the Islamic Council with an Emphasis on Meimand district. Firozabad Constituency. Space Political Analysis Quarterly, Vol. 1, No. 3, 2018, 161. [In Persian]
18. Hosseini, Hassan. Party and Political Development. Tehran, Amen Publishing House, 1999, 64. [In Persian]

40. Pishgahi Fard and Sadeghi, Ali. Geographical Research Quarterly. Year 25, No. 100, Spring 2011, 118. [In Persian]
41. Akhwan Kazemi, Bahram. Autopsy of Tehzb in Iran. Zamane Magazine. 7th Year, No. 78, 2008, 39. [In Persian]
42. Safai Doloui, Mohammad. Iran-Islamic Partnership Front. Tehran: Nasl Kausar Publications, 2010, 5 [In Persian]
43. The Collection of Rules and Regulations of the Presidential Election, the Legal Deputy and Parliamentary Affairs of the Presidential Office. The Publication of the Presidency, The Research Deputy, Compiling and Revising the Country's Laws and Regulations, 2008, 10. [In Persian]
44. The Collection of Rules and Regulations of the Presidential Election, the Legal Deputy and Parliamentary Affairs of the Presidential Office. The Publication of the Presidency, The Research Deputy, Compiling and Revising the Country's Laws and Regulations, 2008, 27 - 23. [In Persian]
45. Kaviani-Rad, Murad. Geography of elections with emphasis on presidential elections in Iran. First Edition. Tehran, Kharazmi University Publications, 2012, 212. [In Persian]
46. Internet Portal of the Guardian Council. Islamic Revolution Level Assembly (4), The Importance of Parliamentary Labor and Social Welfare (2018). Second Chapter, Population and Labor Force, 41-43 [In Persian]
29. Iran Statistics Center. Census 2015. [In Persian]
30. Kamijan Governorate Information Base. Reference Date (21/04/2019): <http://komijan.osta-n-mr.ir> [In Persian]
31. Iran Statistics Center. Census 2015. [In Persian]
32. Moslinejad, Abbas. Politics of Power Structure in Iran. Tehran: University of Tehran Printing and Publishing Institute, 2018. [In Persian]
33. The Constitution of the Islamic Republic of Iran. preface. [In Persian]
34. The Constitution of the Islamic Republic of Iran. preface, Principles 126- 113. [In Persian]
35. The Constitution of the Islamic Republic of Iran, preface, Principle ۱۷۶. [In Persian]
36. The Constitution of the Islamic Republic of Iran. preface, Principle 112. [In Persian]
37. The Constitution of the Islamic Republic of Iran. preface, Principles 99- 91. [In Persian]
38. The Constitution of the Islamic Republic of Iran. preface, Principle 108. [In Persian]
39. Kaviani-Rad, Murad. Geography of elections with emphasis on presidential elections in Iran, First Edition. Tehran, Kharazmi University Publications, 2012, 142. [In Persian]

- 11th Term of the Islamic Council. Reference Date (21/04/2019): <https://www.moi.ir> [In Persian]
48. Islamic Council Research Center. Representatives Department. Reference Date: ۲۸/۰۲/2019. [In Persian]
- Elections, Reference Date (21/04/2019): News Code: 2441 <https://www.shora-gc.ir/fa/news/2441> [In Persian]
47. Ministry of Interior news portal. Name and Number of Required Representatives of Constituencies in the Elections of the